



## Defense Diplomacy of Hirmand's Border Disputes and Non-Compliance of Treaties

## دیپلماسی دفاعی اختلافات مرزی هیرمند و عدم پیروی معاهداتی

**Sobhan Tayebi**

PhD in International Environmental Law, Lecturer, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran  
(Corresponding Author)

**سبحان طیبی**

دکتری حقوق بین الملل محیط زیست، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sobhantayebi@yahoo.com  
<http://orcid.org/0000-0002-2668-8574>

**Sanaz Abolghasemi**

Ph.D. Student, Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Hamadan Branch, Hamadan, Iran

**ساناز ابوالقاسمی**

دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

sanazabolghasemi2019@gmail.com

### Abstract

**Context and Purpose:** Afghanistan's efforts to control the waters of the Hirmand and Harirud rivers to support postwar reconstruction and development have worried Iran. The Iranian government considers Afghanistan's agricultural development and dam-building activities as a threat to water security in its eastern and northeastern provinces. Despite the treaties between the two governments, the cooperation initiative is still ineffective. In this regard, Afghanistan's reluctance to negotiate complex regional policies, Iran's peaceful behavior and border citizenship tensions are among the issues that have resulted in unsuccessful diplomacy in this regard. This research has been carried out with the aim of emphasizing the neglect of Iran's rights in Sistan and Baluchestan Province and also determining a specific approach to curb this problem.

**Method:** The present research was written in the framework of library studies and descriptive method and was done based on the necessity and importance of the subject.

**Finding:** In this regard, the findings of the present research are that dialogue-based diplomacy is not necessarily the answer to lose rights and defense diplomacy should be on the agenda to maintain security and peace.

**Result:** It seems that the defense diplomacy strategy can be the solution to the issue of Hirmand in the direction of environmental and security risks.

**Keywords:** Hirmand, Water Right, Treaty Dispute, Iran, Afghanistan.

### چکیده

**زمینه و هدف:** تلاش‌های افغانستان برای مهار آب‌های رودخانه هیرمند و هریرود برای حمایت از بازسازی و توسعه پس از جنگ، ایران را نگران کرده است. دولت ایران توسعه کشاورزی افغانستان و فعالیت‌های سدسازی را تهدیدی برای امنیت آب در استان‌های شرقی و شمال شرقی آن می‌داند. با وجود معاهدات فی مابین دو دولت اما ابتکار همکاری کماکان غیرمؤثر است. در این راستا بی‌میلی افغانستان به مذاکرات، سیاست‌های پیچیده منطقه‌ای، رفتار مسالمت‌آمیز ایران و تنش‌های شهروندی مرزی از جمله مسائلی است که دیپلماسی ناموفقی در این خصوص رقم خورده است. این پژوهش با هدف تأکید بر نادیده گرفته شدن حق آب‌ه ایران در استان سیستان و بلوچستان و همچنین تعیین رویکرد مشخص برای مهار این معضل انجام پذیرفته است.

**روش:** پژوهش حاضر در چهارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی نگارش یافته و بر اساس ضرورت و اهمیت موضوع انجام شده است.

**یافته‌ها:** در این راستا یافته پژوهش حاضر بر این است که الزاما دیپلماسی مبتنی بر گفتگو جوابگوی حقوق از دست رفته نیست و بایستی دیپلماسی دفاعی در جهت حفظ امنیت و صلح در دستورکار باشد.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد راهبرد دیپلماسی دفاعی بتواند راهگشای موضوع هیرمند در جهت مخاطرات زیست محیطی و امنیتی باشد.

**واژگان کلیدی:** هیرمند، حق آب، اختلاف معاهداتی، ایران، افغانستان.

Received: 2023/05/22 - Review: 2023/07/23 - Accepted: 2023/09/01

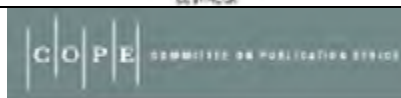
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

ارجاع:

طیّبی، سبجان؛ ابوالقاسمی، ساناز؛ (۱۴۰۲)، دیپلماسی دفاعی اختلافات مرزی هیرمند و عدم پیروی معاهداتی، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## مقدمه

افغانستان به عنوان یک کشور محصور در خشکی، بسیاری از حوزه رودخانه‌های خود را با کشورهای همسایه مشترک است. افغانستان به عنوان بخشی از تلاش‌های بازسازی، برنامه‌هایی را برای توسعه زیرساخت‌های آبی قابل توجه در رودخانه‌های فرامرزی به منظور بهره‌برداری کامل از پتانسیل آبیاری و برق آبی آنها تنظیم کرده است. در نتیجه، نگرانی‌های مربوط به آب در مناطق ساحلی پایین دست تشدید شده است. از آنجایی که هیچ پروسه گفت و گوی رسمی یا موافقتنامه‌های مؤثر در مورد آب بین افغانستان و همسایگانش وجود ندارد، اما به جهت حل و فصل تنش‌ها همواره تلاش بر گفتگو وجود داشته است (King & Sturtewagen, 2010, 186). برای نشان دادن وضعیت همکاری آبی در منطقه، این مطالعه موردی بر حوضه رودخانه‌ای هیرمند و هریرود-مرغاب افغانستان که به عنوان سواحل بالادست با پایین دست ایران مشترک است، متمرکز است. پروژه‌های کشاورزی و سدسازی افغانستان در این دو حوضه توسط ایران به عنوان تهدید امنیتی تلقی شده است. می‌توان انتظار داشت که تغییرات اقلیمی تنش‌های سیاسی موجود بین دو کشور را بیشتر تشدید کند.

## ۱- قلمرو مورد بحث

### ۱-۱- حوضه رودخانه هیرمند

رود هلمند یا هیرمند به عنوان طولانی‌ترین رود افغانستان هزار و صد و پنجاه کیلومتر است. از شمال غربی کابل سرچشمه می‌گیرد و از آنجا به ایران می‌رود. بیش از هفت میلیون نفر در این حوضه زندگی می‌کنند. کشاورزان افغانی و ایرانی برای کشاورزی آبی به شدت به آب‌های هیرمند وابسته هستند. در افغانستان

تقریباً نودوهفت درصد از آب برداشت شده از رودخانه در بخش کشاورزی استفاده می‌شود. به طور مشابه، در ایران، حدود هشتاد درصد از جریان پایین دستی به اهداف آبیاری اختصاص دارد (Hanasz, 2012, 199). در عین حال، این رودخانه همچنین برای حفظ حیات وحش و تنوع زیستی در تالاب‌های هامون که بخش‌هایی از افغانستان و ایران را دربرمی‌گیرد و اهمیت بین‌المللی آن بر اساس کنوانسیون رامسر به رسمیت شناخته شده است، حیاتی است.

در حالی که سه دهه جنگ افغانستان را از بهره‌برداری کامل از آب رودخانه هلمند باز داشته است، این کشور اکنون مسیر توسعه کشاورزی را تحت برنامه‌های تحت حمایت ایالات متحده امریکا برای بازسازی پس از جنگ آغاز کرده است. افزایش تولیدات زراعتی نه تنها قرار است نفوس رو به رشد افغانستان را تغذیه کند، بلکه قرار است با ارائه راهبردهای معیشتی جایگزین، به عنوان سنگری در برابر اقتصاد تریاک عمل کند. افغانستان برای دستیابی به اهداف بلندپروازانه خود، به منظور افزایش ظرفیت ذخیره سازی، بهبود بهره‌وری آبیاری و تولید برق، نیاز فوری به بازسازی یا ایجاد زیرساخت‌های آبی جدید بر روی رودخانه هلمند دارد. یکی از پروژه‌های فعلی، بند کمال خان بر روی رودخانه هیرمند است که در سال ۲۰۱۱ میلادی پس از توقف طولانی مدت به دلیل جنگ از سر گرفته شد (Aman, 2016, 46). در حالی که می‌توان انتظار داشت که چنین پروژه‌هایی به نفع توسعه اجتماعی-اقتصادی در افغانستان باشد، اما در ایران زنگ خطری ایجاد کرده است که آرزوهای افغانستان در مورد هیرمند را یک تهدید مستقیم امنیتی می‌داند. اگر مصرف آب بالادست افزایش یابد، ممکن است عرضه آب به ایران کاهش یابد. ایران بیم آن دارد که کمبود آب ناشی از آن می‌تواند استان شرقی سیستان و بلوچستان را بی‌ثبات کند. هیرمند تنها منبع آب برای شهرهای اصلی این استان است که عموماً ناآرام‌ترین منطقه کشور محسوب می‌شود (King & Sturtewagen, 2010, 177) و (Dehgan et al., 2014, 99).

### ۲-۱- حوضه رودخانه هریرود-مرغاب

تنش‌های مشابهی بین افغانستان و ایران بر سر آب‌های هریرود ایجاد شده است. این رودخانه از کوه‌های مرکز افغانستان به ایران و سپس به ترکمنستان می‌ریزد. امروزه حدود پنج میلیون نفر در این حوضه زندگی می‌کنند. پس از پایان جنگ، افغانستان شروع به احیای تلاش‌های انکشافی آب در بخش بالادست هریرود به‌ویژه در قالب ساخت سد کرد. بحث برانگیزترین پروژه سد سلما است که در حال حاضر توسط هند در حال ساخت است. این سد برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ میلادی راه اندازی شد، اما تکمیل آن به دلیل جنگ احتمالی متوقف گردید. آخرین تلاش برای تکمیل سد در سال ۲۰۱۲ میلادی آغاز شد (Ahlers, 2014, 57). اگرچه افزایش

هزینه‌های غیرمنتظره بار دیگر منجر به تأخیر شد. با وجود این چالش‌ها، افغانستان امید زیادی به این سد دارد و آن را فرصتی بزرگ برای افزایش خودکفایی در تولید مواد غذایی و تولید برق می‌داند.

با این حال مانند وضعیت هلمند، ایران از فعالیت‌های سدسازی افغانستان در هریرود احساس خطر می‌کند. بیم آن می‌رود که این فعالیت‌ها بر میزان آب موجود در شمال شرق ایران تأثیر منفی بگذارد، جایی که ۳,۴ میلیون ایرانی به هریرود متکی هستند. در عین حال، تولید برق آبی در بالادست، وابستگی افغانستان به انرژی ایران را کاهش خواهد داد. ایران فشار شدیدی بر افغانستان و هند برای توقف ساخت سد اعمال کرده و درخواست کرده است که بر سر آب‌های مشترک مذاکره کنند. با این حال، این درخواست‌ها برای مذاکرات آب ظاهراً توسط افغانستان رد شده است (Dehgan et al., 2014, 179). با توجه به مخالفت شدید ایران با سدهای بالادست، مقامات افغان، ایران را متهم کرده‌اند که در پشت حملات و خرابکاری‌های مرتبط با سدها قرار دارد تا از ادامه ساخت و ساز جلوگیری کند (Peterson, 2013, 158) و (Mashal, 2012, 39) و (Houk, 2011, 120).

### ۱-۳- آثار تنش در هیرمند

تنش‌های موجود مرتبط با آب در رودخانه هیرمند و هریرود احتمالاً با تغییر آب و هوا تشدید خواهد شد، که انتظار می‌رود الگوهای جریان آب و در دسترس بودن در حوضه‌های مشترک را تغییر دهد. در حالی که پیش‌بینی تأثیرات دقیق تغییرات آب و هوایی دشوار است، تخمین زده شده است که ذوب یخبندان، کاهش بارندگی و افزایش دما ممکن است باعث تنش آبی طولانی مدت در بخش‌هایی از ایران و افغانستان شود (McSweeney et al., 2010, 145) و (Dehgan et al., 2014, 207). هرچند وضعیت دشت سیستان در اثر بی‌آبی و پراکندگی ضعیف بارش، نامناسب است و این وضعیت سبب گردیده تا تغییرات طبیعی محیط رخ دهد و آثار وخامت بار زیست محیطی شکل گیرد. طوفان‌های منطقه‌ای و ایجاد غبار یکی دیگر از این آثار است. شوربختانه بی‌ثباتی افغانستان و پاکستان در هم مرزی با ایران سبب گردیده تا مهار مشکلات زیست محیطی در زیر سایه مسائل امنیتی کم‌رنگ شود.

طراز همکاری	مقیاس جغرافیایی	گروه عملکردی	مشارکت	بازیگر
ضعیف	داخلی - بین‌المللی	عمومی	طرف درگیر	دولت افغانستان
مناسب	داخلی - بین‌المللی	عمومی	طرف درگیر	دولت ایران
مساعد	خارجی	عمومی	تسهیلگر	یونپ

## ۲- راه حل تعارض یا تمارض؟

### ۱-۲- دپلماسی سیاسی هیرمند

کشور افغانستان هرگز نتوانسته وجود مسئله حق آبه هیرمند را نفی نماید، چراکه پشتوانه این موضوع معاهدات و روند دپلماسی مدت داری بوده که قابل انکار نیست. با این وجود است که افغانستان پایبندی مذاکراتی ندارد. در این راستا نگاهی به روند مناسبات سیاسی و معاهداتی هیرمند میان ایران و افغانستان می تواند به تشحیذ ذهن کمک نماید.<sup>۱</sup>

دوره زمانی	توافق های دو کشور برای هیرمند	سال (شمسی)	پیامدهای ناشی از توافقیها
دوره اول (۱۸۵۷-۱۹۲۵ میلادی) (۱۳۰۴-۱۳۳۶ شمسی)	عهدنامه پاریس	۱۲۳۶	تعهد دو کشور برای داوری مکان مرز از سوی انگلستان.
	حکمت گلد اسمیت	۱۲۵۰	تعیین مرز در شاخه اصلی هیرمند (پریان مرزی) و بی توجهی به نظام حقوقی رودخانه.
	حکمت مک ماهون	۱۲۸۲	تأیید مرز قبلی با وجود تغییر مسیر رودخانه و کاهش یافتن سهم آبی ایران از شصت و دو درصد به سی و سه درصد، با آگاهی داشتن از نیاز آبی ایران که عملکردی خلاف واقعیت طبیعی و تنها برای حفظ منافع انگلستان بوده است.
دوره دوم (۱۹۲۵-۱۹۷۸ میلادی) (۱۳۰۴-۱۳۵۷ شمسی)	عهدنامه مودت	۱۳۰۰	ایجاد روابط دوستانه و فصل جدید در روابط سیاسی دو کشور بعد از استقلال سیاسی افغانستان.
	عهدنامه ودادیه و تأمینیه	۱۳۰۶	تحکیم روابط دو کشور و توجه رضاخان به حل مسائل مرزی.
	-	۱۳۱۰	نخستین مذاکره مستقیم و پذیرش تصنیف آب و توافق نداشتن بر سر مکان تقسیم آب.
	عقد قرارداد موقت	۱۳۱۵	بر اثر کم آبی تیرماه ۱۳۱۵ در اثر ساخت بند لخشک از سوی افغانها و تخریب آن از سوی کشاورزان سیستانی، تکوین قراردادی

۱- بدیعی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۰۶.

دوره زمانی	توافق‌های دو کشور برای هیرمند	سال (شمسی)	پیامدهای ناشی از توافقاتها
			برای تقسیم نصف به نصف آب هیرمند از بند کمال‌خان تا بند لخشک به مدت یک سال و تمدید آن در سال ۱۳۱۶ در پیمان سعدآباد.
	تشکیل کمیسیون بی‌طرف	۱۳۲۷	در نتیجه خشکسالی ۱۳۲۶-۱۳۲۷ به پیشنهاد ایالات متحده امریکا و تعیین حق‌آبه ایران به طور متوسط بیست و دو مترمکعب در ثانیه، تضعیف موضع ایران در برابر حقوق آب هیرمند.
	معاهده تقسیم آب	۱۳۵۱	افزایش چهار مترمکعب مقرر کمیسیون بی‌طرف و تصویب آن از مجلس دو کشور، اما کودتای افغانستان مانع از مبادله شد.
دوره سوم (۱۹۷۸-۲۰۱۰ میلادی) (۱۳۵۷-۱۳۸۹ شمسی)	-	۱۳۵۷	رخداد انقلاب اسلامی و حمله شوروی به افغانستان و فراموشی طرح‌های مشترک و کنترل نکردن آب هیرمند از سوی افغان‌ها.
	-	۱۳۷۵	به قدرت رسیدن طالبان، خشکسالی هولناک و دیدگاه‌های متضاد دو کشور و زمینه فراهم شدن قطع کامل آب هیرمند از سوی افغان‌ها.
	-	۱۳۸۰	حکومت انتقالی افغانستان و تأکید دو کشور بر اجرای معاهده ۱۳۵۱.
	-	۱۳۸۴	گفته‌های متناقض از سوی مقامات دو کشور و در عین حال انجام همکاری‌های بدون قابلیت اجرایی.

## ۲-۲- بی‌میلی افغانستان به مذاکره

ایران بارها درخواست مذاکره آب با افغانستان را داده است. با این حال، افغانستان تمایلی به مذاکره با ایران در مورد استفاده از آب‌های هیرمند و هریرود ندارد. این اکراه تا حدی به کاستی‌های علمی چندین ساله افغانستان در داده‌های آب و هواشناسی و ضعف توان فنی و همچنین کمبود نیروی انسانی آموزش دیده در زمینه حقوق بین‌الملل و مذاکره نسبت داده شده است. بدون چنین منابعی، تدوین منافع ملی و پیشنهادهای سیاستی چالش برانگیز به نظر می‌رسد و بسیاری در افغانستان بیم دارند که این ضعف‌ها ممکن

است قدرت موضع چانه زنی دولت را در برابر کشورهای همسایه اش به خطر بیندازند. هرچند ظرفیت سازی با حمایت ایالات متحده امریکا، کشورهای شریک و سازمان ملل متحد ممکن است به رفع این ضعف‌ها کمک کند (King & Sturtewagen, 2010, 83) و (Dehgan et al., 2014, 164). در عین حال، پیشنهاد شده است که بحث ظرفیت ناکافی نیز ممکن است به عنوان یک «تاکتیک متوقف کننده» به دولت افغانستان خدمت کند. مسلماً، افغانستان به عنوان یک کشور بالادست در بحبوحه بازسازی و توسعه پس از جنگ، انگیزه کمی برای شرکت در مذاکراتی که ممکن است دسترسی این کشور به منابع آبی را محدود کند، ندارد (Dehgan et al., 2014, 176).

### ۲-۳- حرکات متناقض ایران

دولت ایران علاوه بر آمادگی خود برای مشارکت در مذاکرات دوجانبه آب، مایل به حمایت از افغانستان در تقویت ظرفیت‌های این کشور در بخش‌های آب و کشاورزی به‌ویژه در زمینه بهره‌وری آب بوده است. ایران همچنین به ایجاد یک مؤسسه تحقیقاتی در وزارت انرژی و آب افغانستان برای تقویت داده‌ها و اشتراک‌گذاری اطلاعات منطقه‌ای کمک کرده است (King & Sturtewagen, 2010, 87). اگرچه افغانستان نسبت به این اقدام سوءظن دارد (Mashal, 2012, 202). با این حال، زمانی که طالبان بر سرکار نبود و به عنوان یک گروه شورشی قلمداد می‌شد در بخش آب اختلال می‌کرد (Houk, 2011, 43) اما حال که بر سرکار آمده و دولت افغانستان را در دست گرفته عملاً مقابل ایران ایستاده است. تعیین این تناقض دشوار است که آیا این پارادوکس بازتابی از علایق مختلف در رهبری نابسامان ایران است یا تجلی یک استراتژی حفاظتی ایران در قبال افغانستان است که به دنبال بهبود بهره‌وری آب افغانستان است. سیستم‌های دوستانه در حالی که همزمان هرگونه تلاش افغان‌ها برای منحرف کردن سهم بیشتری از آب را تضعیف می‌کنند (Dehgan et al. 2014, 196). آنچه محتمل به نظر می‌رسد این است که چنین رویکرد ناهماهنگ حمایت در مقابل اختلال، اعتماد افغانستان را تضعیف می‌کند و در نتیجه دولت را از بررسی راه حلی از طریق مذاکره برای اختلافات آب فرامرزی با ایران دور می‌کند.

### ۳- تاب آوری و حرکت به سوی صلح

#### ۳-۱- مشارکت

افغانستان و ایران یک هیئت مشترک کمیساریای رودخانه هیرمند را تعیین کرده‌اند که به صورت سه ماهه برای ارتقای همکاری‌های دوجانبه در زمینه آب تشکیل جلسه می‌دهد. کشورها همچنین برای احیای تالاب هامون با یکدیگر همکاری کرده‌اند. علاوه بر این، دولت ایران از افغانستان در تقویت ظرفیت‌های خود برای

بهره‌وری آب و همچنین ایجاد یک مؤسسه تحقیقاتی برای اشتراک‌گذاری اطلاعات منطقه‌ای حمایت کرده است. با این حال، اعتماد کم از سوی افغانستان مانع از راه حل مذاکره برای مناقشه شده است (King & Sturtewagen, 2010, 92). هرچند فضای ایدئولوژی بر فضای سیاسی سایه افکنده و مانعی بر برخورد جدی با این حجم بی‌توجهی افغانستان گردیده است. بنابراین مشارکت در خصوص حل موضوع هیرمند کاملاً ضروری به نظر می‌رسد، چراکه روند صلح در منطقه مرزی فی مابین دو کشور بسیار پراهمیت و لازم است.

### ۳-۲- معاهده

معاهده آب رودخانه هیرمند در سال ۱۹۷۳ میلادی بین افغانستان و ایران امضاء شد. با این حال، این معاهده به دلیل نارسایی آن در زمینه توسعه پایدار منابع آب فرامرزی مورد انتقاد قرار گرفت و به دلیل بی‌ثباتی سیاسی در هر دو کشور هرگز به طور کامل اجرا نشد. هیچ معاهده‌ای در مورد رودخانه هیرمدود امضاء نشده است. اگرچه ایران آمادگی خود را برای مشارکت در مذاکرات دوجانبه یا سه جانبه با افغانستان و ترکمنستان نشان داده ولیکن هیچ معاهده آبی به طور خاص در مورد هیرمدود امضاء نشده است (King & Sturtewagen, 2010, 96). اما در مورد رودخانه هیرمند، مذاکرات بین افغانستان و ایران به دهه ۱۸۷۰ میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۹۷۳ میلادی، دو کشور معاهده آب رودخانه هیرمند را امضاء کردند که بیست و دو مترمکعب در ثانیه را به ایران اختصاص داد و امکان خرید چهار مترمکعب در ثانیه اضافی در سال‌های آبی معمولی را داشت (Hanasz, 2012, 49) و (Dehgan et al., 2014, 210). این معاهده که به دلیل نارسایی در توسعه پایدار منابع آب فرامرزی مورد انتقاد محققان قرار گرفته است (Thomas & Varzi, 015, 172)، به دلیل بی‌ثباتی سیاسی داخلی در افغانستان و ایران هرگز به طور کامل اجرا نشد. هنگامی که افغانستان در طول خشکسالی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ میلادی توافقنامه را نقض کرد، اعتماد بیشتر از بین رفت (Houk, 2011, 47). در سال‌های اخیر گام‌های سازنده‌ای برای احیای همکاری‌ها برداشته شده است.

با وجود نشانه‌های دلگرم‌کننده، همکاری آبی به طور کامل نهادینه نشده است و بی‌اعتمادی متقابل همچنان در دو طرف وجود دارد. افغانستان ایران را متهم می‌کند که سه چهارم آب هیرمند را از طریق کانال‌های غیرقانونی منحرف می‌کند (Dehgan et al., 2014, 215). ایران به نوبه خود از این که مفاد معاهده ۱۹۷۳ میلادی توسط دولت افغانستان «ناکافی و ناسازگار» اجرا می‌شود، انتقاد داشته و خواستار پایبندی کامل به معاهده دوجانبه آب است.

### ۳-۳- بهبود ظرفیت و مشروعیت دولت

دولت گذشته افغانستان می‌توانست با حمایت ایالات متحده آمریکا، کشورهای شریک و سازمان ملل



متحد، ظرفیت خود را برای تدوین منافع ملی و پیشنهادات سیاسی بهبود بخشد. اما در حال حاضر و با حضور طالبان در راس قدرت این بهبود بعید به نظر می‌رسد. در این راستا تغییر اقلیم در منطقه خاورمیانه و به خصوص در مرز شرقی ایران سبب گردیده منابع طبیعی دستخوش تغییر و شکنندگی قرار گیرند. اگرچه این مرز مشترک می‌توانست با توسعه زیرساخت‌ها، توسعه اقتصادی چشمگیری داشته باشد اما این مهم هرگز به وقوع نپیوسته است. دولت فعلی افغانستان (طالبان) با یک نیمه مشروعیت خودخوانده، نه تنها نتوانسته حفظ وضعیت موجود نماید بلکه وضعیت مطلوبی را برای آینده هیرمند ترسیم ننموده و به خواست قانونی ایران نیز وقعی ننهاده است. این اقدام سبب گردیده تا این طور برداشت شود که بهبود ظرفیتی در دستور کار دولت طالبان نیست و به نظر می‌رسد طالبان متوجه عواقب احتمالی آینده نزدیک این موضوع و سایر مناسبات خود با ایران نیست.

مکانیسم‌های واسطه	شکنندگی و خطر تعارض	تغییر محیط زیست	تغییر اقلیم
تشن‌های بین طرفین	تغییر در دسترسی	افزایش کمبود آب	تغییر تدریجی در دما
	در دسترس بودن منابع طبیعی	تغییر جمعیتی	محرك‌های اجتماعی و اقتصادی
		توسعه اقتصادی	
		توسعه زیرساخت‌ها	

#### ۴- دیپلماسی دفاعی

##### ۴-۱- دیپلماسی محیط زیست

تعامل، اصلی‌ترین مسئله در جهت رفع اختلاف و ابزاری جدی در جهت بروز اختلافات می‌باشد. در خصوص هیرمند نخستین اولویت مجاب کردن طرف افغانی برای در اختیار نهادن حق آبه قانونی هامون به میزان بیست و هفت مترمکعب در ثانیه می‌باشد. دیپلماسی محیط زیست در این بزنگاه می‌تواند ابزاری کارآمد محسوب شود، چراکه با وجود جریان آب وسیع در هامون و کاهش غبارآلودگی منطقه، ضریب امنیت در منطقه افزایش یافته و این موضوع می‌تواند انگیزه‌ای کارآمد هم برای دولت افغانستان به شمار آید تا پای میز مذاکره بنشیند (فتاحی زاده، ۱۴۰۱).

##### ۴-۲- دیپلماسی دفاعی

اساساً ضرورت حفظ امنیت مرزهای ایران ایجاب می‌کند تا در این خصوص دیپلماسی دفاعی با سایر همسایگان در دستور کار باشد. در بحث هیرمند و هریررود که مسئله مهم آب در آن مطرح است، ضرورت دارد تا با عنایت به ابعاد امنیتی موضوع، با ابزارهای ترکیبی قدرت-گفتگو کار را پیش برد. در

واقع دیپلماسی دفاعی در موضوع مطروحه میان ایران و افغانستان کاربرد دارد. چراکه از گذشته تا به حال اثبات شده که هیچ کدام از دول حاکم در افغانستان تمایلی به حل و فصل موضوع حق آبه ایران نداشته و در حال حاضر نیز طالبان هم این حق را از ایران مضایقه کرده و به نوعی به اعتنایی نموده است. در این راستا فرآیند دیپلماسی پیشرو بایستی مدنظر باشد.

دیپلماسی دفاعی	دیپلماسی محیط زیست	دیپلماسی امنیتی	دیپلماسی نظامی
مذاکره همه‌جانبه	مذاکره و گفتگو	اطلاعات و داده‌های مرزی	مذاکره نظامی
قدرت فراگیر	تغییرات اقلیمی	نظارت فراگیر	حفاظت از مرزها
پیام شفاف	آب	مناقشه مرزی	عملیات برون مرزی
ابزارهای دفاعی	تنوع زیستی	رویکرد صلح سازی	مهار تروریسم

## ۵- روش‌های مقابله با حل موضوع هیرمند

### ۵-۱- پایش مکرر مرزی رودخانه

این اقدام می‌تواند با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و داده سنجی‌های منابع معتبر انجام پذیرد. به نظر می‌رسد با استقرار سامانه پایش در منطقه سیستان، این اقدام مؤثر می‌تواند گامی بلند در جهت جلوگیری از تضييع حقوق قطعی ایران باشد. در این راستا این مستندسازی می‌تواند در آینده جهت شکایت در مجامع بین‌المللی مؤثر باشد.

### ۵-۲- توجه به توسعه پایدار هیرمند

اگر تعاملات مؤثر در جهت پیشگیری از مخاطرات نابهنجار زیست محیطی هیرمند صورت پذیرد منطقه سیستان در حالت تلاطم قرار گرفته و امنیت زیست محیطی دچار بحران می‌گردد. به نظر می‌رسد در جهت حفظ پایداری منطقه‌ای و پایداری زیستی بایستی تدبیر مؤثری در پیش گرفت. از جمله این تدابیر را می‌توان در جدول ذیل مشاهده نمود:



در این مسیر بلاشک سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم در جهت توسعه با امعان نظر به پایداری زیستی می تواند تدبیری مؤثر تلقی گردد. به نظر می رسد بحران هیرمند بایستی از طریق حل اختلافات بحران بومی و منطقه ای هیرمند مرتفع گردد و جنوب شرقی ایران فرصت بسیار ارزشمندی را پیش رو خواهد داشت (پورهایمی و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۴۴).

### ۵-۳- موضع امنیت مرزی

کشور افغانستان همواره حریم امنی را برای خود از سمت ایران داشته و کشور ما در مناسبات سیاسی رویکرد مناسبی داشته است. اما مسائل متعددی از جمله موضوع هیرمند، موضوع مهاجرین، موضوع تروریسم، موضوع محیط زیست و توسعه پایدار، موضوع تغییر اقلیم و... ضروری می نماید تا ایران نسبت به همسایه خود تصمیمات جدی تری همچون اقدام مؤثر امنیتی اتخاذ نماید. این رویکرد سبب می شود تا کشور پاکستان نیز بقاء روابط مسالمت آمیز را در توجه جدی به دغدغه های ایران ببیند.

### نتیجه

نوسان آب هیرمند یکی از عوامل مؤثر بر روابط سیاسی ایران و افغانستان بوده است. این اختلاف مرزی موجب گردیده تا تهدیدات و مخاطرات همگام با پیامدهای دیگر رخ بنمایاند. عدم ثبات در تعاملات منطقه مابین دو همسایه هیرمند مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، محیط زیستی و امنیتی را به بار آورده است. موقعیت منطقه ای شرق کشور به خصوص در هیرمند می طلبد تا تدبیر ویژه ای اندیشیده و راهبردهای مؤثری در نیل به سوی توسعه پایدار هیرمند اتخاذ و به کار گرفته شود. موضوع هیرمند به نظر می رسد در چهارچوب معاهده به پیش نمی رود و بایستی دپلماسی دفاعی مدنظر قرار گیرد. ایران در مناسبات فی مابین خود با افغانستان همواره جانب مساعدت را در پیش گرفته است اما کشور افغانستان این روابط را یک طرفه برداشت کرده و تا به حال نتوانسته نظر اعتماد همسایه خود را جلب نماید. شوربختانه همسایگان شرقی و غربی ایران سبب ساز ایجاد مخاطرات زیادی بوده که مهم ترین آن مخاطرات زیست محیطی و مخاطرات امنیتی بوده که ایران هزینه های بسیاری در این خصوص داده است. در این راستا به نظر می رسد موضوع مهم هیرمند بایستی به صورت جدی به دولت افغانستان گوشزد و تدابیر جدی در نظر گرفته شود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- بدیعی ازندهای، مرجان؛ رحیمی هرآبادی، سعید؛ گودرزی مهر، سعید، ۱۳۹۰، نقش تغییرات مورفولوژی رودخانه مرزی هیرمند در روابط سیاسی ایران و افغانستان، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای**

**انسانی**، شماره ۷۸.

- پوره‌اشمی، عباس؛ طیبی، سبحان؛ صفایی مهر، محبوبه، ۱۳۹۴، دیپلماسی هیرمند در پرتو مناسبات سیاسی ایران و افغانستان، **درآمدی بر حقوق بین‌الملل محیط زیست**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

- فتاحی زاده، ابودر، ۱۴۰۱، مدل مفهومی برای بازاندیشی در مناقشه هیرمند-هامون از منظر دیپلماسی زیست محیطی، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره ۴۰.

### لاتین

- Ahlers, R., 2014, Ambitious Development on Fragile Foundations: Criticalities of Current Large Dam Construction in Afghanistan, *Geoforum*, 54.
- Aman, F., 2016, Iran-Afghan Differences over Helmand River Threaten Both Countries. *Atlantic Council*.
- Dehgan, A., Palmer-Moloney, L. J. & Mirzaee, M., 2014, Water Security and Scarcity: Potential Destabilization in western Afghanistan and Iranian Sistan and Baluchestan due to Transboundary Water Conflicts.
- Hanasz, P., 2012, the Politics of Water Security between Afghanistan and Iran. *Strategic Analysis Paper. Future Directions International*.
- Houk, A., 2011, Transboundary Water Sharing: Iran and Afghanistan, *The Stimson Center*.
- King, M. & Sturtewagen, B., 2010, making the Most of Afghanistan's River Basins: Opportunities for Regional Cooperation, *EastWest Institute*.
- Mashal, M., 2012, What Iran and Pakistan Want from the Afghans: Water, Time.
- McSweeney, C., New, M. & Lizcano, G., 2010, UNDP Climate Change Country Profiles: Afghanistan.
- Peterson, S., 2013, Why a Dam in Afghanistan Might Set Back Peace. *Christian Science Monitor*.
- Thomas, V. & Varzi, M. M., 2015, A Legal Licence for an Ecological Disaster: The Inadequacies of the 1973 Helmand/Hirmand Water Treaty for Sustainable Transboundary Water Resources Development. *International Journal of Water Resources Development*, 31(4).